

ارزیابی نقش منظر فضاهای جمعی در کیفیت شهری، نمونه موردی: منطقه یک تهران

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۲۱
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۲/۴

علی اکبر حیدری* - الهام امیرحاجلو**
معصومه کارخانه*** - نرگس احمدی فرد****

چکیده

امروزه، فضاهای عمومی شاخص، در غیاب سیاست‌ها و مدیریت‌های جامعه در جایگاه والای خود مورد توجه کافی قرار نگرفته و پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع انسان امروز و تأمین آسایش در سایه‌ی انعطاف‌پذیری عملکردی آن نادیده گرفته شده است. در سال‌های اخیر، کیفیت فضای جمعی روندی رو به رشد را طی نکرده، حال آن که انسان‌ها در سراسیمگی شهرهای امروز، تنها به دنبال عرصه‌هایی با هویت‌های ویژه هستند تا علاوه بر تأمین آسایش و تعامل باهم نوعان، در بستر پویایی اجتماعی به کمال متعالی خود نائل شوند. در این نوشتار به منظور نیل به هدف اصلی مقاله که ارزیابی نقش منظر فضاهای جمعی در ارتقاء کیفیت و هویت شهری است به بررسی ویژگی‌های فضای جمعی منطقه و عوامل مؤثر در کیفیت آن می‌پردازیم. در ادامه سعی بر آن است تا پس از معرفی فضاهای عمومی شاخص در منطقه یک تهران و ویژگی‌های آن، به بررسی کیفیت فضای عمومی در محله با استفاده از تحلیل SOWT پرداخته شود. نتایج نشان می‌دهد که فضاهای جمعی موجود در منطقه اغلب دارای تمامی خصوصیات یک فضای جمعی مناسب نبوده و با آشفتگی و اغتشاش روبه رو می‌باشد. همچنین نیاز به ایجاد فضای جمعی در سطح منطقه و محلات با توجه به افزایش جمعیت و مهاجرپذیری منطقه به عنوان عنصر لازم در مقیاس شهری ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: فضاهای جمعی، منظر شهری، کیفیت شهری، منطقه یک تهران.

مقدمه

فضاهای عمومی یکی از اصلی‌ترین فضاهای شهری است که حیات مدنی در آن جریان یافته و بعد متعالی روابط مردمی در آن متجلی می‌گردد. این فضاها با مقیاس‌های گوناگون در شهرهای ایران دوره سنت، محل همبستگی‌های اجتماعی بودند اما با دگرگونی سازمان فضایی شهر در دوره مدرن این فضاها از بار اجتماعی خود تهی گشتند و اینک در شهرها عرصه‌ای برای زندگی جمعی پیش‌بینی نمی‌شود و حیات مدنی بخشی از کاربری‌های یک شهر به حساب نمی‌آید (Man-souri, 2010). بیگانگی تهران امروز از خویشتن سنتی، فقدان مؤلفه‌های شهری باثبات معاصر و توسعه بی‌رویه و به دور از برنامه‌ریزی شهر منجر به نوعی سردرگمی، اغتشاش و عدم خوانایی در آن گردیده. از مهم‌ترین عوامل این بی‌هویتی و عدم خوانایی در تهران، فقدان شبکه‌ای قوی و سازمان‌یافته از فضاهای شاخص و هویت ساز شهری است. از این رو بی‌تفاوتی نسبت به نقشی که این فضاها می‌توانند در استخوان‌بندی شهر ایفا نموده منجر به نوعی بی‌هویتی، ناخوانایی و عدم تشخیص در بافت بسیار گسترده و پراکنده شهر شده است.

منطقه یک تهران به عنوان یکی از کانون‌های مهم شهری تهران با چند مشکل اساسی روبه‌روست: اولین مشکل در رابطه با عرصه‌های عمومی محله می‌باشد. بررسی فضاهای عمومی و کیفیت زندگی عمومی در این منطقه به خوبی نشان می‌دهد که هیچ توجهی به این عرصه‌ها نشده است و محله‌های این پهنه از این نظر بسیار فقیر هستند. بدین معنا که در این منطقه مرکز محله و یا پاتوق محل‌های چندان قوی وجود ندارد و کارکرد معابر این محله‌ها به تأمین ارتباط کاخها، ویلاها و ابنیه مجلل آن محدود شده است. در ریشه‌یابی این امر آشکار می‌شود که ساکنان تنها در پی نمایش قدرت به کمک احداث ابنیه دکوراتیو، تشریفاتی و باعظمت بوده‌اند و پیش از آن که به آبادانی و ارتقای فضاهای عمومی محله توجه کنند، با سقوط حکومتی که شوکت خود را وامدار وجود آن بودند، محله‌ها را ترک کرده‌اند. یکی از دلایل کمبود فضاهای همگانی در این پهنه عدم احساس نیاز ساکنان مرفه آن به این‌گونه فضاها بوده است، چرا که غالب مراودات اجتماعی و نیازهای این مردمان در درون خانه‌های اربابی، ویلاهای لوکس دوره پهلوی و امروزه نیز در درون برج‌های مجهز و مجلل صورت می‌گیرد.

در این پژوهش برآنیم تا با شناسایی پتانسیل‌های موجود در فضاهای عمومی شاخص این منطقه در کنار امکان‌سنجی برای سازمان‌دهی آن‌ها در قالب شبکه‌ای منسجم در گستره شهر، مساعدتی در جهت تحصیل اهداف منظر شهری: افزایش خوانایی، زیبایی و هویت شهر تهران فراهم آید. از نخستین گام‌ها در استفاده از فضاهای عمومی در کنترل کیفیت منظر شهر، شناخت انواع، ابعاد و امکانات متنوع آن‌ها می‌باشد. نتایج این پژوهش نقش مهمی را در ایجاد و تقویت حیات مدنی، همبستگی جمعی و اعتلای روانی جامعه خواهند داشت.

۱. چارچوب مفهومی موضوع پژوهش

۱-۱- فضاهای عمومی

«فضاهای عمومی شهری» می‌بایست مکانی برای «تعاملات اجتماعی» و «زندگی جمعی» باشند. فضاهای عمومی دارای رسالتی برای افزایش «سرمایه اجتماعی» در جوامع، در بستر تعاملات و مراودات اجتماعی است که می‌توانند بستری برای توسعه و شکل‌گیری «هویت فردی» و «اجتماعی» می‌باشند (Mitchell, 1996).

فرانسیس تیبالدز در کتاب شهرسازی شهروندگرا در ارائه‌ی تعریف عرصه‌های عمومی بر این مهم تأکید دارد که: «عرصه‌های عمومی مهم‌ترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند. در چنین عرصه‌هایی بیشترین تماس، ارتباط و تعامل بین انسانها رخ می‌دهد. این عرصه‌ها تمام بخشهای بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، در برمی‌گیرد» (Tibaldes, 2003, p. 15) همچنین والرز در این زمینه معتقد است: «فضای عمومی فضایی است که در آن با غریبه‌ها سهیم هستیم، مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. فضایی است برای سیاست، مذهب، دادوستد، ورزش و فضایی برای هم زیستی مسالمت‌آمیز و برخورد‌های غیرشخصی» (Madani-Pour, 2005, p. 215).

۱-۲- منظر شهری

منظر از جدیدترین علوم مرتبط با محیط است که با داشتن پایگاه فلسفی و نظریه علمی، نظریات نوینی را در ارتباط بین انسان و محیط ارائه می‌نماید (Atashin Bar, 2010, p. 21). منظر شهر ادراک شهروندان از شهر است که از خلال نمادهای آن به دست می‌آید. منظر شهری نه تنها حوزه نوینی در ادبیات مطالعات شهر است که به سمبلشناسی منحصر نمی‌شود، بلکه ادراک سیال شهروندان از شهر در ارتباط با نمادها و مصادیق فیزیکی آن‌ها را با بررسی تاریخی و حوادث اجتماعی، مورد مطالعه قرار می‌دهد و سلسله‌مراتب قلمروهای ادراکی فضا در ارتباط با زندگی اجتماعی، تاریخی و کارکردی شهر را تشخیص می‌دهد (Mansouri, 2010). مهم‌ترین ویژگی منظر شهری پایدار، آن است که به عنوان یک ساختار اجتماعی فضایی پایدار مطرح می‌شود، چارچوب کلی ایده شهرسازی منظر را می‌توان پارادایم مکان پایدار در نظر گرفت (Feizi and Razzaghi Asl, 2008, p. 36).

که در آن چهار عنصر کالبد، فعالیت و تصورات ذهنی و اکوسیستم به طور هماهنگ در مشروط ساختن و شکل بخشیدن به منظر شهری سهیم است.

منظر شهری را می‌توان از ابعاد عملکردی، هویتی و زیباشناسانه مورد بررسی قرار داد. ابعاد زیباشناسانه منظر شهری می‌تواند در دو بعد کالبدی و ادراکی مورد توجه قرار گیرد (Karimi Moshaver, 2010, p. 40; Forozan Mehr and Sarvariyan, 2010, p. 26). منظر شهری با سه بعد احساسی فرهنگی و اکولوژیکی (Sheibani, 2010, p. 20) نوع جدیدی از هویت سیال شهر است که مستقیماً با ادراک شهروندان رابطه دارد.

اهمیت منظر شهری از آنروست که کلیت شهر را به مثابه یک متن آشکار ساخته، امکان "قرائت" و "خوانش" این متن را فراهم می‌آورد (Golkar, 2006). توجه به منظر به عنوان ابزار پایه و لازم (و نه کافی) جهت کیفیت‌بخشی به فضاهای شهری از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. منظر شهری، سطح تماس «انسان» و «پدیده شهر» است و از این رو بخش قابل توجهی از دانش و عواطف محیطی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا اگر این کارکرد روان‌شناسانه برقرار نشود، افراد نخواهند توانست با محیط اطراف خود ارتباط برقرار کنند که «بیگانگی» و «نامکانی» را موجب می‌شود. ولو اینکه راپاپورت در معنای محیط ساخته‌شده اشاره می‌کند (Rapaport, 1982, p. 14). افراد با محیط اطراف خود به طور کلی و مؤثری ارتباط متقابل دارند قبل از اینکه از این محیطها در مفهوم خاص‌تری تحلیل و ارزیابی کنند، تجربه یک مکان و تفکر درباره آن دو چیز مجزا هستند. در فرایند تصمیم‌سازی طراحی شهری، فعالیت اساساً مبتنی بر مکان است. "بسط معنی فرایندی دوسویه بین فضا و فردی است که طی زمان خود را نشان می‌دهد، فرایندی انتقالی که در آن کاربر و مجموعه هر دو متأثر می‌شوند (Carr, Francis, Rivlin and Stone, 1992, p. 233)". منظر شهری از طریق به عرضه گذاشته شدن خصوصیات محسوس خود از یک سو و خصوصیات ذهنی از سوی دیگر، به مثابه یک متن در گفتگو با ناظر قرار گرفته و در کیفیت‌بخشی به فضای شهری ایفای نقش می‌کند.

۳-۱- کیفیت فضای شهری

کیفیت فضای شهری از برابند خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و از الگوها، زمینه‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی و ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر شکل می‌گیرد. این کیفیت به عنوان یک مفهوم از تعامل خصوصیات محسوس محیط کالبدی از یک سو و ادراک، شناخت و ارزیابی آنها توسط ناظر از سوی دیگر خلق می‌شود (Lynch, 1960; Ap-pleyard, 1979; Lang, 2007; Nasr, 1976).

کیفیت محیطی ناشی از کیفیت عناصر تشکیل‌دهنده یک منطقه اما چیزی بیشتر از مجموع عناصر است. کیفیت محیطی ادراک مکان به طور تمام و کمال است (Van Kamp, 2003, p. 7). کیفیت فضای شهری به عنوان محصول فرایند تعامل میان انسان، فعالیت و کالبد شهر تا حد بالایی به کیفیت مؤلفه‌های بصری آن وابسته است. مؤلفه‌های بصری فضای شهری به دلیل ماهیت عینی و ملموس خود توسط حواس انسان قابل‌ادراک است و زمینه ادراک، شناخت و ارزیابی محیطی شهروندان را فراهم می‌آورد. شهرهای برخوردار از منظر و سیمای مطلوب قادرند تا با وسعت بخشیدن به تجربه زیباشناختی شهروندان، موجبات ارتقای تصویر ذهنی جامعه از خویش و تقویت غرور مدنی آنان را فراهم آورند و در نهایت ارتقاء کیفیت محیط زندگی شهری را بهبود بخشند (Ghadami and Jabari, 2010, p. 92).

۴-۱- نقش فضاهای عمومی در حوزه منظر شهری

فضاهای جمعی درون شهر از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین فضاها در درک شهروندان از منظر شهر و ایجاد خاطره جمعی شهروندان می‌باشد. نقش فضاهای عمومی در حوزه منظر شهری در سه بخش عمده خلاصه می‌شود:

۵-۱- نقش کارکردی و خواناسازی محیط

اهمیت منظر شهری از این روست که کلیت شهر را به مثابه یک «متن» آشکار ساخته و امکان قرائت و خوانش این متن را از طریق کسب آسیب‌شناسی فراهم می‌آورد. همچنین واجد عناصری است که می‌توان وضوح بصری و خوانایی آن را مورد بررسی قرار داد، زیرا داشتن تصویری روشن از محیط، نقش مهمی را در ایجاد احساس امنیت، افزایش تجربه و توانایی بیشتر جابه‌جایی در محیط دارد (Khalil Abad Kalantari and Abazarlou, 2010, p. 22). فضاهای عمومی بهترین شاخص برای جهت‌یابی و ساماندهی دانه‌های ریز و درشت شهری و ایجاد حس امنیت است. لنینج معتقد است مشخصه‌هایی همچون خوانایی، تنها در چیده شدن خوب عناصر شهری پدیدار است. این عوامل است که به محیط زندگی انسان کیفیت می‌بخشد و آنها را از محیط‌های با کیفیت پایین جدا می‌سازد (Lynch, 1960). ضرورت توجه به ارتقاء کیفیت دیدها و چشم‌اندازها در فضاهای عمومی شهری به واسطه عدم وضوح فرمی مطلوب در این‌گونه فضاها و زمینه‌سازی برای خوانایی و وضوح فرمی فضاهای عمومی شهر است. فرم‌های بیارتباط، ارتفاع و رنگ‌های متفاوت ساختمان‌ها، استفاده از مصالح ناهمگون و نامناسب از وضوح فرمی مطلوب فضاهای شهری امروزی کاسته‌اند و حس جهت‌یابی شهروندان در شهرها را با مشکل روبه‌رو کرده‌اند (Pour-Jafari and Sadeghi, 2009, p. 9).

۶-۱- نقش زیبایی‌شناختی (بصری)

فضاهای عمومی که در میان مؤلفه‌های محیطی بیش‌ترین سهم از جلب توجه را دارد، تأثیرگذارترین کمیت بر زیبایی‌سیمای شهر (مثبت یا منفی) می‌باشد. منظر عینی و ذهنی به عنوان اجزا مؤلفه تجربی-زیباشناختی کیفیت یک فضای شهری، کلیه اطلاعات موجود از فضا است که توسط فرد در فرآیند ادراک پردازش می‌گردند (Pakzad, 2006). ذهن فرد بر اساس مقایسه داده‌های محیطی با معانی ذهنی، طرح‌واره‌های ذهنی، تجارب و خاطرات قبلی، تصویری از محیط ساخته و معنای معینی را به محیط الصاق می‌نماید. محصول تعامل میان محیط شهری و ذهن فرد، پدیده‌ای است که با لفظ منظر ذهنی شهر از آن یاد می‌شود. ذهن فرد، بر اساس شناختی که از محیط به دست آورده و بر مبنای فرآیندهای تأثیری و ارزیابانه نسبت به محیط واکنش عاطفی مثبت و یا منفی پیدا می‌نماید. محصول تعامل محیط شهری و ذهن ارزیابانه فرد، «منظر ذهنی- ارزیابانه شهر» را به وجود می‌آورد. از تعامل میان محیط شهری و انسان، فرد بر مبنای محتویات منظر ذهنی-ارزیابانه خود که نشان‌دهنده احتمال رویدادهای محتمل‌الوقوع در محل می‌باشد، به رفتار معینی دست می‌زند. همچنین می‌توان کارمونا اعتقاد دارد فرم شهر و ظاهر آن باید طیف وسیعی از مردمی که آن را تجربه می‌کنند را راضی کند، همانطور که راپپورت منظر شهر را نقطه تماس فرد با محیط پیرامون میدانند (Carmona et al., 2003, p. 134). گوردن کالن در باب جنبه‌های بصری منظر شهری بیان می‌کند که این تجربه نوعاً مجموعهای از کشش‌ها و مکاشفه‌هاست با جذابیتی که به وسیله تضادها ایجاد می‌شود. او اهمیت ویژگی‌های را در کشش بین اینجا و آنجا دید و این موضوع را مورد توجه قرار داد که محیط شهری باید از نقطه دید شخص در حال حرکت طراحی شود. البته لازم به ذکر است که روش‌های جدید مسافرت راه‌های بیشتری برای مشاهده فراهم کرده است. این مسئله به ایجاد تصاویر ذهنی متعدد از محیط‌های شهری که ناشی از سرعت‌های متفاوت حرکت است، منجر می‌شود (Motevalli, 2010).

۷-۱- نقش هویتی

فضاهای عمومی شاخص می‌تواند به مثابه سمبل و مهم‌ترین مؤلفه هویت یک مختصات مکانی به شمار رود. گذشت زمان و انتساب به حادثه و رویداد، این دسته از فضاها را با بار معنایی و ذهنی همراه می‌سازد. اولدنبرگ در کتاب خود «مکان خیلی خوب» با تبیین اصطلاح مکان سوم بر فضاهای عمومی شهری و نقشی که با نزدیک شدن مکان‌های اول و دوم (قلمروهای خانه و کار) به یکدیگر می‌توانند به عنوان عامل اصلی هویت بخشی به یک شهر ایفا نمایند، تأکید می‌نماید (Carmona et al., 2003, p. 112). یکی از نظریه‌پردازان عرصه عمومی حنا آرنت (1958) فضا را در دو معنا؛ فضای حضور در میان دیگران و فضای مابین دیگران تحلیل کرده تا درکی جامع از قلمروی عمومی سیاست همین طور فضای عمومی کالبدی شهر فراهم کرده باشد. هماهنگی مردم و اشیاء در تحلیل و پذیرش این مطلب که روابط اجتماعی به واسطه اشیاء در تحلیل و پذیرش این مطلب که روابط اجتماعی به واسطه اشیاء شکل می‌گیرد، نکته کلیدی است که در تحلیل آرنت درباره فضای عمومی آمده است (Madani-Pour, 2005, p. 198). پاول زوکر نیز از دیگر ایده‌پردازانی است که در مطالعات خود تمرکز اصلی را پیرامون فضاهای شهری میدان قرار داده است. از نظر او میدان همچون توقفگاهی روانی در منظر شهری و محلی است که تعاملات اجتماعی افراد را در خود جای می‌دهد. وی معتقد بود که فضا به کمک تجربه حرکت انسان درون آن، ادراک می‌شود (Zucker, 1970, p. 6).

گرچه توجه به نقش و ارتقاء وضعیت فضاهای عمومی شهری از بدو پیدایش شهرها و به ویژه در طول بیش از یک سده گذشته همواره وجود داشته اما نگاه صاحب‌نظران به این موضوع از روندی یکنواخت و ثابت برخوردار نبوده و در دوران گوناگون متفاوت بوده است. روند تحولات این رویکردها بیانگر آن است که با گذشت زمان هم به حضور انسان به عنوان عامل اصلی ایجاد پویایی و سرزندگی در فضای شهری و هم تمرکز به شاخصه‌های کیفی مانند ایجاد ارتباط و تعامل انسان با محیط و خوانایی و هویت مکانی توجه بیشتری گردیده است. پیوستگی مردم با محیط اطرافشان از طریق ارتباط آن‌ها با فضایی به دست می‌آید که بخشی از آن هستند و فعالیت‌های خود را در آن انجام می‌دهند. (Schulz, 1979, p. 38). به منظور طراحی مؤثرترین فضاهای عمومی، فهم این نکته مهم است که این مکان‌ها در زندگی افراد چه نقشی بر عهده‌دارند، چگونه معنایی با این نقش مرتبط می‌شود و اینکه چرا بعضی مکان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند درحالی که مکان‌های دیگری مورد غفلت واقع می‌شود. تجارب فضای عمومی معنایی را به بار می‌آورد که طی زمان بسط می‌یابد و اگر این معناها مثبت باشد به روابطی منجر خواهند شد که فراتر از تجربه بلاواسطه یک مجموعه می‌باشد (Appleyard, 1979; Rapoport, 1982).

۲. روش پژوهش

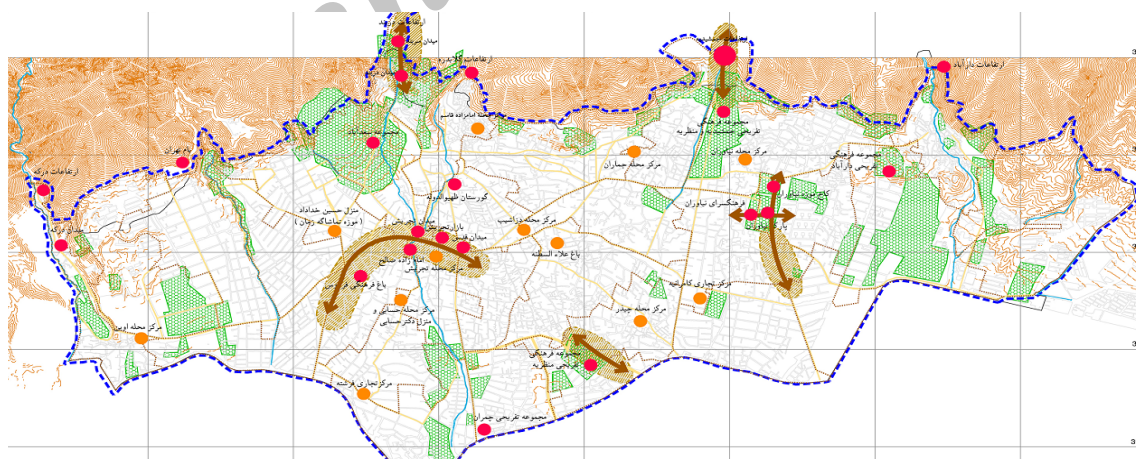
در این مقاله سعی شده است می‌زان تأثیرگذاری و نقش منظر فضاهای عمومی در کیفیت و هویت شهری منطقه یک تهران ارزیابی گردد. جامعه آماری در این پژوهش، ساکنین مرکز شهرستان شمیرانات (تجریش) واقع در منطقه یک شهرداری تهران بوده است که بر طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت محدوده برابر با ۷۸۴۰ نفر و تعداد خانوار آن برابر با ۲۸۶۳ خانوار بوده است. تعیین حجم نمونه جامعه آماری از داده‌های جدول حداقل اندازه نمونه برای جامعه آماری کوچک از کتاب «تحقیق پیمایشی راهنمای عمل» ادواردز و همکاران تعیین شده است. بر این اساس برای جامعه آماری ۷۸۴۰ نفری، با حاشیه خطای ۱ درصد و سطح اطمینان ۹۹٪، باید ۱۶۴ نفر را به عنوان نمونه برگزید (Edwards et al., 2000, p. 197). تا بتوان یافته‌های پیمایش (جامعه نمونه) را به کل جامعه آماری تعمیم داد. بدین ترتیب تعداد ۱۸۶ پرسشنامه در محدوده پیش گفته تکمیل شد که پس از حذف پرسشنامه‌های معیوب، تعداد ۱۶۴ پرسشنامه مبنای بررسی‌های آماری قرار گرفت. ابزارهای رسمی کسب داده‌ها نیز در دو شیوه داده‌های ثانویه و اسنادی و طراحی و استفاده از پرسشنامه و یا انجام مصاحبه حضوری با افراد جامعه، داده‌های مورد نیاز تحقیق جمع‌آوری گردید. به منظور بررسی نتایج پرسشنامه‌ای با توجه به معیارها، انتخاب شد و توسط کسانی که به عنوان نمونه از جامعه آماری انتخاب شده‌اند، تکمیل می‌گردید. در نهایت اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه‌های مورد نظر، با استفاده از یکی از روشهای تجزیه و تحلیل و استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد بررسی قرار گرفت. همچنین به منظور تحلیل فضاهای عمومی منطقه از حیث کیفیت و هویت از تحلیل SWOT بهره گرفته شده است.

۳. یافته‌ها

منظر فضاهای عمومی شاخص در محدوده مورد مطالعه از حیث سیمای بصری، هویت و خوانایی

عمده‌ترین فضاهای عمومی منطقه امامزاده صالح، بازار تجریش و میدان تجریش، راسته تجاری تفریحی خیابان ولیعصر به سمت میدان تجریش، باغ فردوس، کاخ سعدآباد و مرکز محله تجریش هست. این مکانها به صورت گره و یا نقاط عطفی می‌باشند که از طریق نظم بخشیدن به روابط جمعی ساکنان در مقیاس شهری و محلی نقش ایفا کرده و با تمرکز مکانی روابط اجتماعی و فعالیت‌های گوناگون در مقیاس‌های متفاوت و عمدتاً با تمرکز فعالیت‌های اقتصادی دیده می‌شوند. در نقشه ۱ موقعیت فضاهای جمعی محله و حوزه عملکردی آن‌ها نشان داده شده است. در جدول ۱ نیز به معرفی این فضاها و ویژگی‌های آن‌ها پرداخته شده است:

نقشه ۱: موقعیت فضاهای جمعی در حوزه عملکرد شهری و فرامنطقه‌ای



مقیاس: ۱:۳۵۰۰۰

(Consulting Engineers of Baft-Shahr, 2003)

جدول ۱: ویژگی‌های فضای جمعی منطقه در حوزه عملکرد شهری و فرامنطقه‌ای

نام فضا	تعیین هویت غالب	گروه‌های استفاده‌کننده	عناصر سازنده خاطره جمعی	ساعت استفاده	دلایل جمعی بودن
امامزاده صالح	مذهبی - زیارتی	شهروندان تهران و ساکنین شهرهای مجاور	صحن و بقعه امامزاده	روزانه به خصوص ایام خاص مثل پنجشنبه‌ها یا تاسوعا، عاشورا	امکان دسترسی برای همه شهروندان و گشوده بودن دایم آن‌ها برای مراجعین و امکان مکث و دیدارهای اجتماعی زیاد و انجام مراسم مذهبی، این مکان را به عنوان یک مکان جمعی و خاطره‌انگیز مطرح می‌کند.
بازار تجریش و میدان تجریش	تجاری مذهبی تاریخی	عامه شهروندان به خصوص میانسالان	تکیه بالا و پایین تجریش واحدهای تجاری ورودی امامزاده صالح	روزانه	وجود عملکردهای عمومی به ویژه خرید امکان دسترسی برای همه شهروندان و گشوده بودن آن برای مراجعین
باغ فرهنگی فردوس	فرهنگی تفریحی	*	بناهای بارزش تاریخی - بازارچه خیریه	*	*
مجموعه سعدآباد و ورودی‌های آن	تاریخی فرهنگی	کلیه شهروندان	وجود بناهای بارزش مانند کاخ سبز، کاخ سفید، کاخ شهناز، کاخ اشرف، کاخ شمس، مجموعه کاخ‌های خانواده پهلوی	روزانه در ساعات خاص به جز روزهای تعطیل	*
راسته تجاری - تفریحی خیابان ولیعصر به سمت میدان تجریش	تجاری تفریحی	ساکنین منطقه و شهروندان تهرانی	وجود مناظر، درختان چنار بلند و قدیمی که درهم فرورفته و چتری را بر فراز خیابان ایجاد نموده‌اند. کاربری‌های تجاری متنوع، بناهای قدیمی و تاریخی مانند عمارت فردوس	در کلیه ساعات روز	امکان استفاده عموم از امکانات تفریحی و تجاری و دسترسی برای همه شهروندان در کلیه ساعات روز جهت پدیده‌روی و خرید
مرکز محله تجریش	*	*	مسجد همت تجریش، تکیه بالا و پایین تجریش	*	*

۳-۱- میدان تجریش

این میدان یکی از کانونهای با هویت و مهم در منطقه است که هم از لحاظ تاریخی و هم از لحاظ عملکردی دارای ارزش بوده و در واقع مرکزی خدماتی-تجاری می‌باشد که در مقیاس شهر تهران عملکرد دارد (شکل ۱).

شکل ۱: میدان تجریش



وجود عناصر تاریخی مهمی مثل امامزاده صالح، بازار تجریش، تکیه تجریش، مسجد همت تجریش در میدان تجریش و نیز عملکرد و نقش این میدان به عنوان یک گره اصلی ترافیکی و مبدأ حرکت وسایل نقلیه عمومی به سایر نقاط منطقه، این میدان را به یک گره مهم و هویت‌بخش تبدیل کرده است. به طوری که ۱۷,۷ درصد نیز سرپل تجریش را به عنوان شاخص‌ترین فضای عمومی پس از خیابان ولیعصر معرفی کرده‌اند.

۳-۱-۱- کیفیت بصری میدان: میدان تجریش از لحاظ بصری نیز از نفوذپذیری نسبتاً مطلوبی برخوردار می‌باشد. در واقع کریدورهای بصری نسبتاً مطلوبی به دلیل شیب زمین و نیز جداره‌های ممتد و سبز درختان در خیابان ولیعصر و ملکی، دید را از این محورها به سمت میدان معطوف می‌کنند که فضاسازی وسط میدان و تعدد محورهای منتهی به آن و تداخل ترافیک سواره و پیاده و عملکردهای مختلف منجر به آشفتگی بصری شده و از کیفیت بصری فضا و بدنه آن تا حد زیادی می‌کاهد. در واقع جداره میدان تجریش، جداره‌های نابسامان و آشفتگی محسوب می‌شود. در قسمت شمالی میدان به علت شیب زمین و قرارگیری بافت در سطح بالاتری نسبت به جنوب، بدنه جانبی ساختمان‌ها که در مقابل دید از جنوب قرار دارد، به دلیل کیفیت نامطلوب بصری از داخل میدان، منظر بسیار نامناسبی را فراهم می‌نمایند.

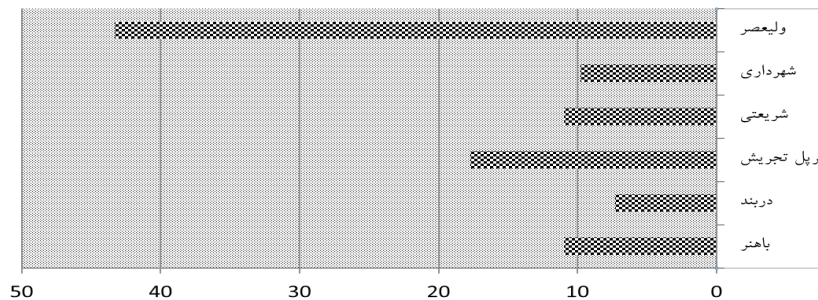
۳-۱-۲- خوانایی: عملکرد خدماتی-تجاری میدان تجریش از خوانایی بالایی برخوردار می‌باشد. هرچند که تداخل حرکت‌های سواره و پیاده به عنوان عاملی منفی موجب اغتشاشات محیطی شده و از خوانایی آن می‌کاهد. از جمله نشانه‌های موجود در میدان تجریش می‌توان امامزاده صالح را نام برد که با وجود اهمیت مذهبی و تاریخی، به دلیل محصور شدن در میان ساختمان‌های نسبتاً بلند پیرامونی و نیز تداخل عملکردهای مختلف و وجود ترمینال و پایانه اتوبوس و مینی‌بوس و اغتشاش در محیط تاحدی خوانایی خود را از لحاظ بصری از دست می‌دهد.

۳-۱-۳- هویت میدان: سرپل تجریش به واسطه موقعیت تجاری و جذب فعالیت‌های اقتصادی و به واسطه ارتباط افراد با یکدیگر در طول ساعات مختلف روز، نقش مهمی در افزایش می‌زان تعاملات اجتماعی، فرهنگی ساکنان منطقه داشته است. تنوع و نیز خصوصیات فرهنگی اجتماعی این میدان، از همان ابتدای شکل‌گیری باعث ثابت ماندن روح حاکم بر مکان در طول دوران مختلف استفاده از آن شده است. بعلاوه تمرکز سامانه‌های حمل‌ونقل در میدان تجریش و قدس و نزدیکی به ایستگاه راه‌آهن (مترو) باعث افزایش تردد عابرین در این مکان شده است؛ بنابراین این میدان به واسطه نقشی که در شکلهی به رفتار مردم داشته است، به عنوان عاملی بر شکل‌گیری حس مکان در این منطقه می‌باشد.

۲-۳- خیابان ولیعصر

مطابق با نظر و احساس جامعه آماری مصاحبه شونده مندرج در نمودار ۱ شاخص ترین خیابان در منطقه به ترتیب خیابان ولیعصر (پهلوی) با ۴۳ درصد، سرپل تجریش با ۱۷/۷ درصد و خیابان شریعتی با ۱۱ درصد، خیابان شهرداری ۹/۸ درصد ذکر شده‌اند. آنچه باعث جذب بازدیدکنندگان و شاخص شدن آن‌ها شده فعالیت‌هایی است که در آن انجام می‌گیرد.

نمودار ۱: درصد فراوانی شاخص ترین خیابان



۱-۲-۳- سیمای بصری خیابان: چشم‌انداز و منظر زیبای حاصل از پیوستگی درختان چنار قدیمی و کهنسال و بازی نور از لابلای این درختان همراه با کاربری‌های تجاری و خدماتی فراوان و ممتد و پیوسته، فضای باغ‌ها، دورنمای خیره‌کننده کوه، به صورت کریدوری بصری مطرح می‌شود، هویت و خوانایی خاصی به این مسیر و منطقه می‌دهد. ولیعصر محور با هویت تاریخی و عملکردی بوده که سیمای بصری مطلوبی داشته و تفاوت‌های ناشی از ارتفاع، مصالح و بافت و رنگ نما و حجم ساختمان‌ها کیفیت بصری نامطلوبی را ایجاد نمی‌نماید. وجود راسته سبز درختان در دو طرف محور و جویهای نسبتاً عریض در کنار آن‌ها از جمله عوامل هویتبخشی است که تصویری به‌یادماندنی در ذهن ناظران باقی می‌گذارد. خیابان ولیعصر در نزدیکی میدان تجریش به دلیل تراکم واحدهای تجاری و علائم و تابلوهای مربوطه و نیز تداخل ترافیک سواره و پیاده و... دچار اغتشاش و آشفتگی بصری می‌باشد. در واقع ولیعصر محوری تعریف شده است که در انتهای خود به میدان تجریش می‌رسد. دید از انتهای این محور به میدان تجریش تا حدی با آشفتگی بصری همراه می‌باشد.

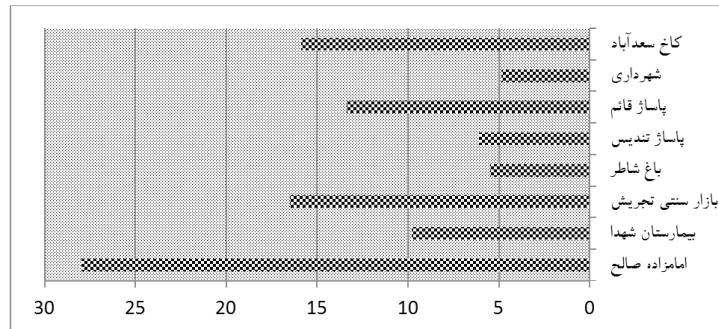
۲-۲-۳- هویت عملکردی خیابان: به دلیل هویت تاریخی خیابان، ساختمان‌های بدنه آن از الگوهای باارزشی برخوردار می‌باشند. ساخت و سازهای جدیدتر غالباً بدون توجه به این الگوها ساخته شده و لیکن تأثیر نامطلوب چندانی بر هویت کلی محور نمی‌گذارد. عملکرد مسکونی، تجاری، خدماتی محور با هویت ساختاری و تاریخی آن سازگار بوده و حتی تقویت‌کننده این ویژگی نیز می‌باشد. ارتباط قوی میان عملکرد دادوستد در خیابان با ایجاد حس دل‌بستگی عاطفی به مکان وجود دارد؛ بنابراین شکل تعلق و دل‌بستگی که نسبت به این خیابان‌ها به وجود آمده است متأثر از بازار تجریش و شیوه فعالیت اقتصادی موجود در آن و متأثر از اماکن شاخص مذهبی به ویژه امامزاده صالح و نیز توسعه تاریخی که به ویژه از دوره پهلوی در بستر محلی خود داشته است، می‌باشد. این خیابان‌ها نه تنها به عنوان یک کانال برای عبور و مرور ماشینها و نیز عابران است بلکه به عنوان یک معبر عبور تاریخی و مسیری برای عبور و تجدید خاطر افراد محسوب می‌شود. حسی که بر اثر دیدن رنگ‌ها، نشانه‌ها و سمبلها و تنوع کارکردی موجود در این خیابان‌ها ایجاد می‌گردد، باعث تمایز هر چه بیشتر این خیابان با خیابان‌های دیگر محله شده است. در واقع این خیابان‌ها از چنان هویت و کیفیت فضایی برخوردارند که فعالیت فروشندگان و خریداران را تسهیل کرده و موقعیت تجاری آن را تحت تأثیر قرار داده است.

۳-۲-۳- خوانایی: محور تجاری- خدماتی ولیعصر از آنجا که دارای هویت ساختاری عملکردی می‌باشد از خوانایی زیادی برخوردار است. در واقع عملکردهای بدنه این محور (به ویژه از نزدیکی میدان تجریش) به اندازه‌های واحدهای تجاری مختلف به عنوان پتانسیلی در جذب مردم در ساعات مختلف روز، بر سرزندگی محیط می‌افزاید. اغتشاش و ازدحام و تداخل ترافیکی یکی از عواملی است که منجر به کاهش خوانایی محور در نزدیکی میدان تجریش می‌شود. وجود دیوارهای سبز و ممتد درختان در دو طرف محور به عنوان یک عامل هویت‌بخش بر خوانایی و سرزندگی آن می‌افزاید.

۳-۳- امامزاده صالح و بازار سنتی تجریش

وجود این امامزاده و هویت مذهبی، مساجد و تکایا از مشخصه‌های این منطقه بوده که آن را از سایر مناطق متمایز ساخته است. این عناصر به عنوان عناصر اصلی و مهم تشکیل‌دهنده مراکز محلات تاریخی بوده و در ایام خاص سال مثل تاسوعا و عاشورا و روزهای پنجشنبه مورد استقبال می‌گیرد. تعدد این مراکز مذهبی در منطقه نشان از همبستگی قوی اجتماعی محله دارد. البته این ارزش‌ها در حال از دست رفتن هستند. مطابق جدول ۲، بیشترین درصد مردم امامزاده صالح را به عنوان شاخص‌ترین ساختمان معرفی کردند.

نمودار ۲: درصد شاخص‌ترین ساختمان و مکان فعالیتی



امکان دسترسی برای همه شهروندان و گشوده بودن دائم آن برای مراجعین و امکان مکث و دیدارهای اجتماعی جهت زیارت و انجام مراسم مذهبی، همچنین قرارگیری آن در کنار کاربری‌های مرتبط همچون بازار، خود را به عنوان یک مکان جمعی خاطره‌انگیز مطرح می‌کند.

یکی از عوامل مهم شکل‌گیری هسته تجریش در منطقه یک، وجود بازار قدیمی آن می‌باشد. بازار تجریش همچون بسیاری از بازارهای شهرهای تاریخی ایران در ارتباط با فضاهای مسکونی و مذهبی بوده و از نظر اقتصادی، شهر به آن وابسته بوده است. از جمله فعالیت‌های اقتصادی مهم آن شامل ورود و انبار کالا، استاندارد کردن و تغییر شکل کالا، تولید صنعتی کوچک، توزیع و فروش، دلالی و خدمات بوده است. تحولات اخیر، باعث شده که این بازار نقش اصلی خود را از دست داده و بخش‌های جدید تجاری از جمله پاساژ قائم و پاساژهای کوچک مجاور بازار ریشه در آن بدوانند که این امر سبب به هم خوردگی نظم فضایی و عملکردی آن شده است.

از آنجایی که تجریش مرکز بخش شمیران و راه ارتباطی دیگر محله‌ها با یکدیگر و نیز با تهران بود و از طرفی آن‌ها نیز از این تغییرات مصون نمانده بودند، بازار تجریش اهمیت بیشتری پیدا کرد و کارکرد اقتصادی آن نیز گسترش یافت. علی‌رغم حضور قوی بازار در تجریش قدیم، کاربری تجاری هرگز به فکر ضربه زدن به کاربری‌های دیگر، از جمله بازار نبوده است؛ اما امروزه با تمرکز هرچه بیشتر مراکز فروش و پاساژهای تجاری در این نقطه از جمله پاساژ قائم و پاساژ تندیس، تعادل بین کاربری‌ها از بین برده است. متأسفانه این امر همچنان در حال افزایش است (Farshchin, 2009, p. 11). بازار تجریش به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز اقتصادی شمیران و شمال تهران، منجر به شکل‌گیری هویتی خاص برای این محله و به ویژه این قطب تجاری گشته که علیرغم ساخت مجتمع‌های عظیم و جدید تجاری در اطراف خود، کماکان مورد استقبال طیف وسیعی از مردم در این محله شده است.

۴. تجزیه و تحلیل منطقه با تکنیک SWOT

با اقتباس از ادبیات پژوهش می‌توان گفت منظر محیط از برآیند سه مؤلفه است که هر یک از آن‌ها عهده‌دار برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های محیط است. از این رو در اینجا توجه معطوف به جنبه‌های سیمای بصری، خوانایی و هویت فضای جمعی می‌گردد.

با توجه به مطالعات و مشاهدات از این فضاهای جمعی، از میان مشکلات و کم‌توجهی‌هایی که گریبان‌گیر منظر جمعی منطقه است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تعاملات اجتماعی ضعیف و حضور جمعی کم رنگ در میدان به دلیل فقدان برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های فرهنگی شهری و کشوری برای به عرصه کشاندن حضور انسان امروز در فضای میدان.
 - حضور پایانه‌های اتوبوس در میدان که موجب مخدوش شدن منظر میدان، آلودگی‌های هوا و آلودگی‌های صوتی، اثرات نامطلوب تخریبی می‌شود.
 - فقدان ارتباط قوی و شاخص میدان با بافت کهن اطراف میدان که در مسیرهای شاخص و در دسترسی‌های پیاده به میدان نمود می‌یابد.
 - عدم توجه کافی به ارزش محور اصلی میدان (محور طولی ولیعصر و شریعتی تا میدان قدس و تجریش) و ایجاد موانع کالبدی و بصری (ایستگاه‌های پلیس، تابلوهای اطلاعاتی و...) در این مسیر.
 - حضور بی‌رویه‌ی وسایل نقلیه در فضایی که گنجایش و امکانات لازم برای پذیرش آن‌ها را ندارند، به دلیل ایجاد آلودگی‌های مختلف ناشی از آن به عنوان تهدیدی جدی برای بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی محسوب می‌شود.
- جهت سنجش کیفیت فضای عمومی در منطقه، یک طیف لیکرت پنج‌تایی (۱) خیلی موافقم، (۲) موافقم، (۳) متوسط، (۴) مخالفم و (۵) خیلی مخالفم دسته‌بندی و بر روی ۱۶۴ نفر جامعه آماری مورد بررسی و نظرخواهی قرار گرفت و برای آزمون هر ادعایی از آزمون لیکرت استفاده شد.

جدول ۲: تحلیل و ارزیابی سیمای بصری، خوانایی و هویتی منظر شهری

تهدیدها	عوامل تغییر بیرونی		عوامل تغییر درونی		سیمای بصری
	فرصت‌ها	تهدیدها	نقاط ضعف	نقاط قوت	
<ul style="list-style-type: none"> - شلوغی و راه‌بندهای مکرر در مسیرهای دسترسی - از کارافتادگی و فرسودگی حوزه‌های باارزش تاریخی - کاربری‌های نامناسب و ناسازگار با منظر ذهنی نامناسب - وجود فضاهای باز عمده منظرسازی شده و نشده در محوطه و مسیرهای سبز خطی در مجاورت بلافاصل رودخانه - گسترش بیرونی و توسعه‌های جدید با از بین رفتن فضای باز و سبز 	<ul style="list-style-type: none"> - مطلوبیت فضا به علت فضاهای سبز عمده به‌صورت باغ‌ها و حیاط‌های وسیع و محوطه‌های سبز منظرسازی شده - وجود محدوده‌های تفریحی- ورزشی، گردشگری در داخل شهر - لبه‌های پیوسته با طراحی و دید و منظر مناسب در اتوبان‌ها و رودخانه‌ها - ایجاد ساختمان‌هایی به صورت مجتمع‌های بزرگ در سایت‌های وسیع 	<ul style="list-style-type: none"> - اغتشاش ادراکی انواع شکل‌های نامناسب و مقیاس ناهماهنگ در ساخت و سازهای اخیر در امتداد خیابان ولیعصر و شریعتی - وجود ساختمان‌های حجیم و مرتفع در قالب یک بلوک و غیرمتناسب با دسترسی‌های اطراف - تضاد فراوان در رنگ، شکل ساختمان‌های جدید - وجود ساختمان‌های حجیم به صورت نیمه مرتفع - کاهش می‌زان نور و هوا در داخل فضای خیابان به علت توسعه ساختمانی در اطراف آن - وجود میدان‌ها و گره‌های پرازدحام و تعریف نشده 	<ul style="list-style-type: none"> - وجود میدان‌ها و گره‌ها در بافت به صورت سرزنده و پر فعالیت - وجود محیط طبیعی در منظر ذهنی یا حضور عناصر طبیعی، رودخانه، تپه، کوه - کیفیت بصری بالا در برخی محدوده‌ها - فرم ساختمان با منظرسازی مطلوب، سازمان یافته با طبیعت محدوده 	سیمای بصری	
<ul style="list-style-type: none"> - از میان رفتن باغ‌های قدیمی، کوچه‌باغ‌ها و عدم توجه به باغ‌های معروف و حریم منظر آن‌ها و تهدید حس مکان 	<ul style="list-style-type: none"> - امکان استفاده مؤثر از شبکه بزرگراه‌ها برای ایجاد منظرهای ذهنی - امکان استفاده مؤثر از برج‌های بلندمرتبه به عنوان به عنوان نشانه‌های شهری به عنوان تسهیل در جهت‌یابی - محورهای خیابان‌های اصیل با کاربری مختلط - وجود میدان‌ها، گره‌ها به عنوان کانون‌های سرزندگی و پر فعالیت و باارزش شهری - وجود تپه‌ها، دره‌ها و معابر کوچه‌باغی در داخل بافت و محدوده‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> - فقدان ارتباط دوطرفه لبه‌ها از لحاظ بصری و فیزیکی - تعریف نشدن لبه‌های شهری و عدم پیوستگی بدنه‌ها و جداره‌ها - عدم وجود یک شبکه نمادین از نشانه‌های شهری 	<ul style="list-style-type: none"> - محورهای خیابان‌های طویل با کاربری مختلط - وجود کانون‌ها و فضاهای قابل تشخیص در سطح محله - وجود منظرهای متفاوت و متنوع محله‌ها با شخصیت‌های متمایز - عوامل ریخت‌شناسی باارزش در برخی حوزه‌ها 	نقاط	
<ul style="list-style-type: none"> - کاهش هویت طبیعی و مشخصه‌های توپوگرافیک - از کارافتادگی و فرسودگی حوزه‌های باارزش کالبدی- تاریخی - از بین رفتن عناصر هویت‌بخش قدیمی شهر و عدم ایجاد هویت در فضاهای جمعی جدید 	<ul style="list-style-type: none"> - امکان استفاده از عناصر تاریخی، تفریحی، طبیعی، فرهنگی جهت ارتقاء منظر جمعی و ایجاد حس مکان - بناها، باغ‌ها، بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی، فرهنگی، طبیعی - وجود محدوده‌های تفریحی، ورزشی، کوهپایه‌ای 	<ul style="list-style-type: none"> - ضعف حضور حوزه تاریخی در منظر ذهنی - ضعف خوانایی و هویت توسعه‌های ساختمانی جدید - عدم هماهنگی و حفظ ارتباط بصری بین بناهای قدیمی و جدید - رها و متروکه شدن اماکن تاریخی و باارزش اعم از ابنیه و باغ‌ها - عدم توجه، نگهداری و حفاظت از عناصر طبیعی 	<ul style="list-style-type: none"> - برخی حوزه‌های واجد شخصیت متمایز (تفریحی، سیاسی، مذهبی، تاریخی و...) - ابنیه و بافت‌های تاریخی (خاطره جمعی) و مجموعه اساسی به یادمانده از آنجا به واسطه افراد و اتفاقات و جریانات سیاسی - بناها، باغ‌ها، بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی، فرهنگی، طبیعی 	بافت	

جدول ۳، میانگین درصد هر یک از عوامل را نشان می‌دهد که بالاترین مقدار میانگین مربوط به عامل «شلوگی و ازدحام» می‌باشد ($\mu X 3,8$) که بیشترین موافقت‌ها را نشان داده است. بیشترین مخالفت‌ها ($\mu X 2,7$) نیز در مورد گویه «عدم آسایش و امنیت» ابراز شده است. به منظور تعمیم میانگین‌های نمونه به کل جامعه از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است مقادیر آن در ستون دوم جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: عوامل مؤثر در عدم کیفیت منظر فضای عمومی منطقه از دید پاسخگویان

رتبه بندی بر اساس آزمون فریدمن	سطح معناداری	تی تک نمونه‌ای	میانگین درصد	عوامل	مؤثره
۳	۰,۰۱۰	-۲,۵۹۸	۴,۱	افزایش کاربری‌های ناسازگار	بصری
۱	۰,۰۰	-۳,۸۴۸	۴,۶	شلوگی و ازدحام	
۴	۰,۰۰۰	-۴,۱۵۲	۴	آشفته‌گی بصری ناشی از تداخل ترافیک سواره و پیاده	
۸	۰,۰۳۹	-۸,۵۹۰	۳,۱	تعاملات اجتماعی ضعیف	اجتماعی
۵	۰,۰۰۰	-۲,۵۹۸	۳,۸	عدم وجود ارتباط با فضاهای اطراف برای ایجاد سرزندگی	
۷	۰,۰۱۰	-۴,۹۰۷	۳,۵	ضعف حضور حوزه تاریخی در منظر ذهنی	فرهنگی
۲	۰,۰۵۰	-۳,۷۲۹	۴,۳	ایجاد موانع کالبدی و بصری مخدوش کننده خوانایی	
۶	۰,۰۰۰	-۵,۱۰۰	۳,۶	از میان رفتن باغ‌های قدیمی، کوچه‌باغ‌ها	
۹	۰,۸۰۹	-۰,۲۴۲	۲,۷	عدم امنیت و آسایش	

مطابق با نتایج مندرج در جدول ۳ نتیجه می‌شود که مقدار T در مورد ادعای اول معادل $-2,598$ می‌باشد که از آماره تحلیل کوچک‌تر بوده و با توجه به ستون سطح معنی‌داری که مقادیر آن از ۵ درصد کوچک‌تر بوده، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. به این معنی که در همه ادعاها به جز ادعای «عدم امنیت و آسایش» که T آزمون معادل $-0,242$ بوده و کمتر از آماره تحلیل بوده و میانگین آن در سطح $0,809$ معنادار نبوده، فرض صفر در مورد سایر گویه‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد به دلیل اینکه میانگین آن‌ها از ۶۰ درصد (معادل ۳ در طیف لیکرت) بیشتر است رد می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت میانگین آن‌ها در جامعه، با سطح اطمینان ۹۵ درصد بالاتر از ۶۰ درصد می‌باشد.

نتایج این آزمون به کل جامعه قابل تعمیم است. فرض صفر و فرض مخالف آن برای میانگین ۶۰ درصد بصورت زیر بیان می‌شود:

$$H_0: \mu x < \%60(3)$$

$$H_1: \mu x > \%60(3)$$

این تحلیل به منظور بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت فضای عمومی ذکر شده در جدول، انجام گرفته شده است. نتایج به دست آمده (جدول ۳) حاکی از آن است که میانگین رتبه محاسبه شده برای عامل «عدم امنیت و آسایش» ($2,7$) کمتر تأثیرترین معضل را در کیفیت فضای عمومی محله تجریش داشته و بیشترین تأثیر نیز مربوط به عامل «شلوگی و ازدحام» است و این رابطه به لحاظ آماری نیز مورد تأیید می‌باشد زیرا سطح معناداری کمتر از $0,05$ می‌باشد (جدول ۴).

جدول ۴: معناداری آزمون فریدمن

تعداد	۱۶۴
خی دو	۲۸,۹۰۵
درجه آزادی	۴
سطح معناداری	۰,۰۰۰

۵. بحث و نتیجه‌گیری

مؤلفه‌های عوامل محسوس و ذهنی از قبیل ادراک، خوانایی، جنبه‌های بصری و قابلیت‌های عملکردی فضاهای عمومی منطقه یک از جمله عوامل موثر در نقش انگیزی و ماندگاری منظر شهری در ذهن مخاطب و ایجاد و تقویت خاطره و منظر ذهنی می‌باشند که در کیفیت‌بخشی به فضای شهری ایفای نقش می‌کنند.

مجموعه فضاهای عمومی منطقه به دلیل دارا بودن مؤلفه‌های مطلوب منظر شهری در زندگی و سرزندگی فضای شهری نقش به‌سزایی ایفا نموده است. وجود محیط طبیعی در منظر ذهنی و عناصر تاریخی، تفریحی، طبیعی، فرهنگی جهت ارتقاء منظر جمعی و ایجاد حس مکان، از جمله عوامل تأثیرگذار می‌باشند. از طرف دیگر فضاهای جمعی موجود اغلب دارای تمام خصوصیات یک فضای جمعی مناسب نبوده است. بدین ترتیب موانعی در راه موفقیت عملکرد این فضاها وجود داشته که می‌توان آن‌ها را به دو گروه اصلی تقسیم نمود:

۱. مشکلات کالبدی (از جنبه کیفیت محسوس)

۲. مشکلات عدم وجود برنامه‌ریزی (مدیریتی) (از جنبه کیفیت نامحسوس)

میتوان گفت بسیاری از فضاهای جمعی موجود همراه با نوعی آشفتگی و اغتشاش به ویژه با حضور اتومبیل و ازدحام جمعیت روبه‌رو می‌باشد؛ اما در مواردی نیز فضای جمعی وجود دارد که همراه با کالبدی که پذیرای این فضا بوده است، به وجود آمده است که فعالیت‌ها و عملکرد متفاوت اعم از مذهبی، فرهنگی ... فضای بالنسبه موفق تری را ایجاد نموده است. فضاهایی مانند امامزاده قاسم، صحن امامزاده صالح، میدان چیدر، پارک نیاوران و قیطریه و فرهنگسراها به عنوان فضاهایی هستند که مورد استفاده عموم هستند.

با توجه به افزایش جمعیت و مهاجرپذیری منطقه و با توجه به فقر این محله در برخورداری از فضاهای همگانی، لزوم ایجاد یک مرکز محله کارآمد و پاسخگو به نیازهای خدماتی ساکنین این منطقه ضروری به نظر می‌رسد. البته نیاز به ایجاد فضای جمعی در سطح منطقه و محلات به عنوان عنصر لازم در مقیاس شهری ضروری می‌باشد؛ بنابراین اولین مسئله که در برخی محلات وجود دارد توجه به رشد جمعیت است که نیاز به ایجاد فضای جمعی را نشان می‌دهد. مسئله دوم تأمین این نیاز می‌باشد که خود مشکلات برنامه‌ای و کالبدی را به همراه خواهد داشت، که مستلزم شناخت حد و حدود نیازهای مردم (مطالعه، برنامه‌ریزی و طراحی) و برنامه‌ریزی‌های مالی و تأمین اعتبارات لازم و مشارکت مردم و مسئولین در تحقق‌پذیری فضاهای جمعی مطلوب است. مسئله سوم مشکلات کالبدی و برنامه‌ای است که در برخی فضاهای جمعی موجود مشاهده می‌شود که نیاز به مطالعه و طراحی خاص خود را دارد. برای نمونه میدان تجریش و سرپل تجریش سال‌ها در خاطره‌ها نقش بسته است. در حال حاضر با مشکلات کالبدی که اغلب در کانون‌های فعالیتی، عملکردی، تجاری و خدماتی وجود دارد؛ این فضاها را به کانون‌های آشفتگی و اغتشاش تبدیل نموده است که عمدتاً ناشی از مشکلات برنامه‌ای آن یعنی عدم وجود نظارت و مدیریت بر فضا می‌باشد.

References

- Appleyard, D. (1979). The Environment as a Social Symbol. *Journal of American Planning Association*, 45(2), 143-153.
- Arendt, H. (1958). *The Human Condition*. Chicago: University of Chicago Press.
- Atashin Bar, M. (2010). *What Is the Urban Landscape?* Proceedings of National Conference on Urban Landscape. The Art of Building and Housing Research Center. Research Institute of Jahad.
- Carmona, M. et. al. (2003). *Places Urban Spaces*. Amsterdam & Others: Architectural Press.
- Carr, S., Francis, M., Rivlin, L., Stone, A. (1992). *Public Space*. New York: Cambridge University Press.
- Consulting Engineers of Baft-Shahr. (2003). *Studying Urban Development Problems, Further Studies of the Spatial Organization and the Urban Landscape of Region One*. Tehran: Department of Planning and Architecture.
- Edwards, J. E., et al. (2000). *Survey Research Guide*. (D. Izadi, S.M. Erabi, Trans.). Tehran: Cultural Research Bureau.
- Farshchin, A. (2009). *Spatial Planning Physical Rehabilitation Old Neighborhood*. Supervisor: M. Azizi. MS Thesis. Tehran University. College of Fine Arts.
- Feizi, M., Razzaghi ASL, S. (2008). Urban Design and Landscape: A New Approach to Landscape Architecture and Urban Design. *Journal Bagh-e-Nazar*, 10.
- Forozan Mehr, Z., Sarvariyan S. P. (2010). *A Comparative Study of Landscape of Islamic and Non-Islamic Cities*. Abstracts of Papers of the National Conference on Urban Landscape. The Research Institute Culture and Art of Building and Housing Research Center of Jahad.
- Ghadami, M., Jabari H. (2010). *Urban Landscape Quality Assessment Using Fuzzy Logic*. Abstracts of Papers of the National Conference on Urban Landscape. The Research Institute Culture and Art of Building and Housing Research Center of Jahad.
- Golkar, K. (2007). Meaning of Urbanscape. *Abadi*, (53), 38-47.
- Jacobs, J. (1993). *Death and Life of American Cities*. uhlstrin GmbH Press, Frankfurt.
- Karimi Moshaver, M. (2010). *In View of High Rise Buildings in the City (With the Aesthetic Approach)*, Proceedings of the National Conference on Urban Landscape, Art Institute of Jahad - Building and Housing Research Center.
- Khalil Abad Kalantari, H., Abazarlou, S. (2010). *Urban Landscape and Reading of City*. Abstracts of Papers of the National Conference on Urban Landscape. The Research Institute Culture and Art of Building and Housing Research Center of Jahad.
- Lang, J. (2007). *Creating Architectural Theory: The Role of Behavioral Sciences in Environmental Design*. (A. R. Eyni Far, Trans.). Tehran: Tehran University.
- Lynch, K. (1960). *The image of the City*, Cambridge: MIT Press.
- Madani-Pour. A. (2005). *The Design of Urban Space, Attitude to Social and Spatial Processes*, (F. Mortezaei, Trans.). Tehran: Pardazesh and Urban Planning Co. Press.
- Madani-Pour, A. (2008). *Public and Private Spaces of the City*. Tehran: Pardazesh and Urban Planning Co. Press.
- Mansouri, S. A. (2010). *Urban Landscape-Quantitative Elements and Leading and Control Indicators of Technical Documents*. Abstracts of Papers of the National Conference on Urban Landscape. The Research Institute Culture and Art of Building and Housing Research Center of Jahad.
- Mitchell, D. (1996). Introduction: Public space and the city. *Urban Geography*, 17(2).
- Motevalli, M. (2010). Assessment and Measurement of Quality of Beautiful in Urban Landscape Based on Successive Views (Case Study: The Direction of Nature and Wildlife Tourism Tehran). *Journal of Architecture and Urbanism of Armanshahr*. Autumn & Winter. 3 (5).
- Nasr, S. H. (1976). *Art in Persian Culture*. Cambridge: Golgonooza Press.
- Pakzad, J. (2006). *Theoretical Foundations and Urban Design Process*. Tehran: Department of Housing and Urban Development, First Publish.
- Pour-Jafari, M., and Sadeghi, A. R. (2009). Organizing the Reading of the Visual Axes of the Environmental Quality of Public Spaces (Case Study: Streets Of Tehran), *Journal of Urban Management*, 24.
- Sheibani, M. (2010). *Conceptual View Of The City*. Abstracts of Papers of the National Conference on Urban Landscape. The Research Institute Culture and Art of Building and Housing Research Center of Jahad.
- Tibaldes, F. (2003). Citizen-oriented city, (Mohammad Ahmadi-Nejad. Trans.). Tehran: Khak Press, 1th Publish.
- Rapoport, A. (1982). *The Meaning of the Built Environment: A Nonverbal Communication Approach*, London: Sage Publication.
- Van Kamp, I. et al. (2003). Urban environmental quality and human well-being Toward a conceptual framework and demarcation of concepts: a literature study: *Landscape and Urban Planning* 65, pp. 5-18,
- ZucKer, P. (1970). *Town and Square; from the agora to the village Green*. Massachusetts: The MIT Press.